

## آینده دونالد ترامپ بعد از تعلیق حساب توییتی

تعلیق فعالیت‌های سیاسی دونالد ترامپ با تعلیق حساب توییتی

چارلی وارلزد در ۲۱ ژوئن ۲۰۲۱، مطالبی با عنوان «آیا دونالد ترامپ بدون توییت‌ردوام می‌آورد؟»، منتشر کرد. هدف این یادداشت این است که بررسی کند آیا دونالد ترامپ بدون توییت‌رد که تمام فعالیت‌های سیاسی او در آن تنیده است، دوام می‌آورد یا نه؛ زیرا حساب کاربری توییتی وی نزدیک به ۵ سال به عنوان یک رسانه‌ی ملی، کارکرد داشته است.

در روز جمعه، توییت‌برای همیشه حساب دونالد ترامپ را تعلیق کرد. طبق گزارش این شرکت، یکی از توییت‌ها که کار را یکسره کرد، «بیانیه رئیس‌جمهور ترامپ بود مبنی بر اینکه وی در مراسم تحلیف شرکت نخواهد کرد.» معنای تلویحی این عبارت، این است که نتایج انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا مشروعیت ندارد. پس از سال‌ها استفاده از این پلتفرم در راستای گسترش دروغ‌ها و توطئه‌ها، با انتشار توییت شمار زیادی از سفیدپوستان نژادپرست و معتقدان

به نظریه کیوانان<sup>۱</sup> و پس از تلاش برای تحریک کره شمالی و ایران، این توجیه کمی شبیه به دستگیری آل کاپون<sup>۲</sup> [با آن همه جنایت]، به جرم فرار از مالیات است. با این حال، چنین خسارتی انکارناپذیر است. البته چندان جالب نیست که بیش از حد، به مرد ۷۴ ساله‌ای اهمیت بدهیم که دسترسی‌اش به یک برنامه کاربردی قطع شده است؛ برنامه‌ی کاربردی که از آن برای گله و شکایت از شبکه‌های خبری استفاده می‌کرد. در واقع، ریاست‌جمهوری ترامپ و تقریباً تمام فعالیت‌های سیاسی او، با توییت‌رد هم تنیده است. او پی‌درپی توییت منتشر می‌کرد و ما یا خوشحال می‌شدیم یا ناراحت. به هر حال، توییت‌های او خبرساز بودند. حساب کاربری توییت‌ردش، چه خوب چه بد، نزدیک به ۵ سال به عنوان یک رسانه‌ی ملی کارکرد داشت و اکنون، به اینجا رسیده‌ایم که تمام شده است.

اکنون سؤالی بدیهی پیش می‌آید، آن هم این‌که ترامپ برای آینده، چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ آیا یک رئیس‌جمهور مفتضح است که به خشم اعتماد دارد و نیروهایی درونی او را به سمت «اقتصاد توجه» سوق می‌دهند و اینکه، آیا می‌تواند بدون دکانش (همان حساب کاربری شبکه‌های اجتماعی)، در بازار رقابت باقی بماند؟

فکر می‌کنم همه این‌ها بستگی به این دارد که آیا خود ترامپ، به بزرگی پلتفرم‌هایی که استفاده می‌کند، هست یا خیر؟ من چهار سال اخیر را به تفکر در مورد این فرد، به عنوان یک اینفلوئنسر حرفه‌ای گذراندم؛ اما گاهی اوقات، از خودم می‌پرسم که آیا دیر به این نتیجه نرسیدم؟ بله دونالد ترامپ، گه گاهی یک اینفلوئنسر شبکه‌های اجتماعی است؛ اما آیا او همچنان رفتاری شبیه به رفتارش در پلتفرم‌های شبکه‌های اجتماعی را دارد؟

اگر ترامپ را یک اینفلوئنسر بدانیم یعنی پیامش برای ما دارای محتوا

1. QAnon

۲. از سردمداران جرائم سازمان‌یافته در آمریکا

است. درواقع، نظرات او با او و توانایی اش در مخابره‌ی آنها، ادامه می‌یابند یا می‌میرند. به نظر من، ترامپسیسم چیزی فراتر از یک پلتفرم است؛ از این رو استدلال بر این است که ترامپ و طرفدارانش، یک سامانه اطلاعاتی مشابه و قدرتمند (حتی با بحثی تأثیرگذارتر) ساخته‌اند که به اندازه هر سیستمی که برای مخالفت با آن ساخته شده، قوی و تأثیرگذار است؛ اما هر کس که به دنیای طرفداری از ترامپ وارد شده باشد، درمی‌یابد که ترامپسیسم، فراتر از طرفداری از یک مقام بانفوذ است.

### خوب، آیا ترامپ، اینفلوئنسر شبکه‌های اجتماعی است یا [خود] پلتفرم؟

مانند یک پلتفرم خوب، ترامپ، راهی را برای انسجام اجتماعات با هدفی مشخص پیدا کرده است، درحالی‌که زیاد به هزینه‌های بلندمدت آن فکر نمی‌کند؛ مانند همه پلتفرم‌ها، ترامپ نیرومحرکه طبیعی افراط‌گرایی برای کسانی است که از او حمایت می‌کنند یا مخالف او هستند. رصد کردن بیش از اندازه او به سرسختی ایدئولوژی یک فرد منجر می‌شود. هر کارزار تبلیغاتی و هر توثیت از توثیت قبلی اش، افراطی‌تر است که دنبال‌کننده‌های صفحه ترامپ را به وضعیتی بغرنج‌تر سوق می‌دهد و شور و شوق یا نفرت آن‌ها را از رئیس‌جمهور تشدید می‌کند. به همین دلیل، مانند هر پلتفرم خوبی، ترامپ، خوره زمان

شما است؛ شب‌ها، تعطیلات آخر هفته و هر چیزی که فکرش را بکنید، می‌گذرند، درحالی‌که او همه توجه و وقت شما را به خودش جلب می‌کند. درواقع، وقت و توجه در حکم پول رایج در پلتفرم ترامپ هستند و به او این امکان را می‌دهند که شخصیت و چهره اصلی در میان آمریکایی‌ها باقی بماند.

پس چگونگی رابطه ما با پلتفرم ترامپ است که حتماً برای ناظران فناوری آشنا است. این رابطه به طور غیرمنتظره‌ای از راه می‌رسد و هیچ شباهتی به آنچه قبل از آن رخ داده است، وجود ندارد. یک شی براق توجهات بسیاری را در رسانه به خود جلب می‌کند. از آنجا که این پلتفرم یک تجربه جدید است، به‌عنوان یک نیروی جهانی در حال تغییر جدی تلقی نمی‌شود. این پلتفرم جدید، خود را با یک شعار جذاب معرفی می‌کند که بیانگر اهدافش است؛ همانند فیس‌بوک که در روزهای آغازین خود اعلام کرد، «جهان را بازتر و ارتباطات را بیشتر می‌کنیم»؛ رئیس‌جمهور هم امروز اعلام کرد: «بیا بید آمریکا را دوباره عالی کنیم». البته همچنان از مطرح کردن این سؤال دشوار اجتناب می‌کنیم که اگر یک پلتفرم نوپا به این اهداف برسد، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ فکرم‌ان را خیلی درگیر این مسائل نمی‌کنیم. حتی آن‌هایی که دوست ندارند تا در پلتفرم سهیم باشند، توجه ما را به خود جلب می‌کنند. خوب، چه

ضروری دارد؟ هر چه باشد، رایگان است. دیر یا زود می‌فهمیم که این طور هم نیست. ما متوجه می‌شویم که این پلتفرم، به یک معامله بزرگ نیاز دارد. آرام و مخفیانه، تکه‌تکه‌های وجودمان، داده‌ها و توجهمان را می‌گیرد. خیلی طول نمی‌کشد که می‌فهمیم این پلتفرم، آن‌طور که به نظر می‌رسید، رایگان نیست. در کمال تأسف، متوجه می‌شویم که بهای سنگینی هم برای آن پرداخت کرده‌ایم.

برحسب معمول، پلتفرم یک چارچوب نرم‌افزاری برای افراد است تا بر روی آن، محتوا تولید کنند. در مورد پلتفرم‌های شبکه‌های اجتماعی نیز نقش اصلی آنان، جمع‌کردن افراد و مرتبط کردنشان با یکدیگر است و اینکه راهی ایجاد کنند تا افراد، به مخاطبان زیادی دست یابند. اینفلوئنسرها و سازندگان، محتوا را تولید می‌کنند اما زندگی شان در جوهای ناگهانی و قواعد پلتفرم‌ها جاری است. آن‌ها برای داشتن مخاطب به پلتفرم‌ها وابسته هستند، به طوری که حتی یک تغییر جزئی در یک الگوریتم، می‌تواند به معنای فراموش شدن باشد. این، یک زندگی متزلزل و عاری‌های است. حتی زمانی هم که مطابق با میل پلتفرم رفتار می‌کنید، ممکن است از آن پلتفرم کنار گذاشته شوید. بگذارید ببینیم که آیا دونالد ترامپ، واقعاً از این پلتفرم کنار گذاشته می‌شود؟